



ظرفیت ها و شایستگی های تعاونی های کشاورزی و شکل های روستایی ژاپن و استرالیا

غلامرضا مجردی^{۱*}، فرشته بگرضائی جیحون آبادی^۲

^۱استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان.

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان.

چکیده

امروزه وجود نظام تعاونی برای دستیابی به اهداف بخش های مختلف اقتصادی ضروری است. از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان و محققان جهانی در حوزه های توسعه و اقتصاد، تعاون در بخش کشاورزی موجب رونق اقتصادی و اجتماعی کشورها می گردد. این مطالعه به روش اسنادی به بررسی ظرفیت ها و شایستگی های تعاونی های کشاورزی و شکل های روستایی در استرالیا و ژاپن پرداخته است. نتایج مطالعه نشان داد تعاونی های صنایع روستایی استرالیا در زمینه ی بسته بندی مرکبات، تولید تخم مرغ، کود شیمیایی، تولید و بسته بندی میوه، آبیاری، بازاریابی، تولید شکر، فعالیت های پژوهشی، تولید فرآورده های گوشتی، فراهم کردن تجهیزات کشاورزی و غیره فعال هستند. این تعاونی ها نه تنها مستقیماً نیازهای اقتصادی تولید کنندگان انفرادی را برآورده ساخته اند، بلکه تقاضای بازارهای صنعتی را حتی بهتر از شکل های رقیب، پاسخ داده اند. تعاونی های کشاورزی ژاپن نیز از انسجام مردمی، بهره وری بالا در تولید محصولات غذایی و کیفیت مطلوب در ارائه خدمات مورد نیاز اعضا برخوردار می باشند. به طور کلی می توان گفت؛ تعاونی های کشاورزی و شکل های روستایی در این دو کشور موجب افزایش بازده اقتصادی، ارائه تسهیلات اعتباری کافی و به موقع، ارائه سطح بالایی از اطلاعات بازار، سطح بالای بهره وری، نگرش باز نسبت به سرمایه گذاری های مشترک و همکاری، افزایش سرمایه اجتماعی، توانمندی، و برابری جنسیتی در مورد شکل های زنان را به همراه آورده اند.

واژه های کلیدی: ظرفیت، تعاونی، روستا.

مقدمه

تاریخ تشکیل تعاونی ها به ۱۲۰۰۰۰ سال پیش می رسد هنگامی که انسان های اولیه جوامع کوچکی را برای شکار و زندگی در کنار هم تشکیل می دادند. مورخان بر این اعتقادند که این جوامع از چند خانواده تشکیل شده بود که به طور جمعی به تصمیم گیری می پرداختند و رؤسای دائمی نداشتند برخی از دانشمندان اعتقاد بر تشکیل اولین تعاونی به مفهوم امروزی را به انجمن باربرهای ساحل در سال ۱۴۹۸ در آبردین^۲ می دهند و برخی دیگر تعاونی نساجان فونیک در اسکاتلند را در سال ۱۷۶۰ اولین تعاونی می دانند. (cooper et al., 2013) اما ایجاد کلمه ی تعاون^۳ به تأسیس انجمن راچدیل^۴ در انگلیس در سال ۱۸۸۴ برمی گردد. اعضای این انجمن بافندگانی بودند که تصمیم به ایجاد سازمانی با خودیاری متقابل اعضا گرفتند. این سازمان توانست با انجام فعالیت های

E-mail: gmojaradi@yahoo.com

* نویسنده مسئول:

² Aberdeen

³ cooperative

⁴ Rochdale



اقتصادی به اهداف اجتماعی نائل گردد (Fairbairn, 1994). اتحادیه‌ی بین المللی تعاونی (ICA) در لندن در سال ۱۸۹۵ شروع به کار کرد، نمایندگان شرکت های تعاونی از کشورهای آرژانتین، استرالیا، بلژیک، انگلستان، دانمارک، فرانسه، آلمان، هلند، هند، ایتالیا، سوئیس، صربستان، و ایالات متحده آمریکا ضرورت تشکیل ICA را ارائه اطلاعات، تعریف و دفاع از اصول تعاونی و توسعه تجارت بین المللی بیان کردند و بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ، اقتصاد تعاون با تشکیل یک سرویس تعاونی در تشکیلات سازمان ملل به رسمیت شناخته شد (محمدیان، ۱۳۸۶) بعدها اصول و ارزش های تعاونی در بیانیه های سال های ۱۹۳۷، ۱۹۶۵ و ۱۹۹۵ توسط اتحادیه تعاونی بین المللی^۵ (ICA) تعریف گردید. در این بیانیه ها، برابری، عدالت، دموکراسی و همبستگی از ارزش های تعاونی خوانده شد و عضویت آزاد و داوطلبانه، کنترل دموکراتیک اعضا، مشارکت اقتصادی اعضا، خود مختاری و استقلال، همکاری در تعاونی، آموزش و آگاهی و نگرانی برای جامعه به عنوان اصول اصلی تعاون معرفی گردید (Denniss and Baker, 2012). اقتصاد بخش تعاون ضمن تأثیرپذیری از پدیده جهانی شدن و فرایند تکمیل چرخه سازمان تجارت جهانی (W.T.O) بر روندها و فرایندهای آن نیز اثرگذار بوده است و به نوعی کنش متقابل و تعامل با آن داشته است (محمدیان، ۱۳۸۶). در سال ۱۹۷۱ اتحادیه بین المللی ترویج و توسعه تعاونی ها تأسیس شد که اعضای آن را اتحادیه بین المللی تعاون، سازمان بین المللی کار، سازمان خوار و بار جهانی، سازمان ملل متحد و فدراسیون بین المللی تولید کنندگان محصولات کشاورزی تشکیل می دهند و کمیته بین المللی ترویج و توسعه تعاونی ها با چنین اعضای مهم و جهانی برای افزایش مزیت نسبی از طریق مهندسی ارزش در تعاونی ها فعالیت می نماید. مراکز تحقیقات تعاونی (CRCS^۶) در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد که هدف کنار هم قرار دادن بخش خصوصی و دولتی در جهت کار بر روی مسائل اولویت دار علمی را دنبال می کرد (core, 2009). تحقیقات تجربی کمی در مورد بیانیه ی ICA و تعریف تعاونی و اصول آن وجود دارد که در این تحقیقات بیشتر دانشمندان به شناخت عوامل تأثیر گذار بر موفقیت یک تعاونی پرداخته اند. به عنوان مثال مانند بارتون (۱۹۸۹) سه عامل مهم برای موفقیت یک شرکت تعاونی را اعتبار اصول، درک و پایبندی به این اصول، و مدیریت موثر می داند (Oczkowsk et al, 2013). بسیاری از مطالعات تجربی در مورد اعتبار اصول تعاونی و درک و پایبندی به این اصول در دهه ی ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ انجام شد. در دهه دوم قرن بیست و یکم حرکت جهانی تازه ای در جنبش تعاونی ها انجام گرفت، به طوری که سازمان ملل متحد سال ۲۰۱۲ را سال بین المللی تعاونی ها نامید (Oczkowsk et al, 2013). هر چند در حال حاضر حدود دو میلیارد نفر در سراسر جهان عضو تعاونی ها هستند توجه زیادی از سوی دانشگاه ها و عموم مردم به آن ها نمی شود، با توجه به اینکه در این زمانه مفهوم عدم قطعیت اقتصادی مطرح است و قدرت شرکت های بزرگی که به نیازهای مشتریان توجهی ندارند، و فقط به دنبال افزایش سود سریع هستند نگرانی های زیادی ایجاد کرده است (cooper et al., 2013). این در حالی است که سازمان های کشاورزی و روستایی (FOS^۷) نهادهای ضروری برای توانمند سازی، کاهش فقر و پیشرفت کشاورزان و روستاییان فقیر در کشورهای در حال توسعه می باشند. به لحاظ سیاسی، FOS ها موجب تقویت قدرت سیاسی کشاورزان می گردد چرا که از طریق این شکل ها احتمال آگاهی یافتن سیاست گذاران و عموم مردم از نظرات و نیازهای کشاورزان افزایش می یابد. از لحاظ اقتصادی، FOS می تواند به کشاورزان در کسب مهارت، دسترسی به نهاده ها، تشکیل شرکت، فرآوری و بازاریابی محصولات خود به طور موثرتر، دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای تولید، ارزش افزوده، توسعه ارتباطات موثر با سازمان های تولید نهاده ها و غیره کمک کند (Penunia, 2011). سازمان های تعاونی در سراسر جهان تنوع گسترده ای از خود نشان داده اند، این ناهمگونی تا حدی است که به سختی امکان پذیر است به مقایسه معنی داری، بدون استفاده از روش های مناسب پرداخت، هر چند بیانیه هویت تعاونی از ICA ممکن است نقش یک مخرج مشترک برای مقایسه ی تعاونی ها ایفا کند اما چگونه می توان فرهنگ ها و ایدئولوژی های گوناگون جوامع را نادیده گرفت (Kurimoto, 2004). بنابراین در راستای بررسی وضعیت تعاونی ها و دیگر انجمن ها در

⁵ International Cooperative Alliance

⁶ Cooperative Research Centres

⁷ Farmers' and rural producers' organizations



کشورهای مختلف باید به فرهنگ و ارزش‌های آن جامعه نیز توجه نمود. این مطالعه در پی بررسی ظرفیت‌ها و شایستگی‌های تعاونی‌ها و تشکل‌های کشاورزی و روستایی دو کشور استرالیا و ژاپن، به عنوان دو کشور موفق در این زمینه است.

تعاونی‌ها و تشکل‌های روستایی و کشاورزی در استرالیا

بخش کشاورزی استرالیا سه درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تأمین می‌کند. کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری نقش مهمی در پایداری اقتصادی و محیط زیستی جوامع روستایی استرالیا دارد (Hunt et al., 2012). تغییرات اساسی در توسعه ی کشاورزی استرالیا از سال ۱۹۸۰ آغاز شد، به این ترتیب که بخش کشاورزی که تا آن زمان تحت کنترل و سلطه‌ی دولت بود دچار تحولاتی گردید و سازمان‌های روستایی تأسیس شدند، این سازمان‌ها از طریق ترتیبات قانونی به صورت مشارکتی با دولت به کنترل بخش کشاورزی پرداختند (Agent, 2000; Hunt et al., 2012). تحولاتی که در سیستم کشاورزی استرالیا اتفاق افتاد متأثر از تحولات جهانی نظیر انعقاد توافق‌نامه‌های تجارت بین الملل، جهانی شدن و سیاست‌های بین المللی در آن زمان بود (Josling, 1998; Skogstad, 2008; Vanclay, 2003).

نخستین تعاونی‌های کشاورزی استرالیا در دهه ۸۰ میلادی در ویکتوریا تشکیل شدند. کارخانه‌های کره سازی از سال ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۶ در مناطق مختلف تاسیس شد که اکثراً جنبه تعاونی داشتند. تا سال ۱۹۰۵ بالغ بر ۴۶ کارخانه کره سازی تشکیل شده بود که ۱۹ مورد آن‌ها به صورت خصوصی اداره می‌شد. در سال ۱۹۱۱ نخستین سردخانه تعاونی با نام سردخانه تعاونی دون کاستر غربی راه اندازی شد. در سال ۱۹۱۵، ۵ سردخانه دولتی در اختیار کشتکاران قرار گرفت تا از آنها در قالب سردخانه تعاونی بهره برداری کنند. از تعاونی‌های دیگر در استرالیا می‌توان تعاونی پرورش دهندگان مصنوعی ویکتوریا در سال ۱۹۵۸ به منظور کمک رسانی به مراکز لقاح مصنوعی سراسر ویکتوریا را نام برد.

تعاونی‌های موری گولبرن، بونلاک، پیوت، ذخایر ژنتیکی استرالیا و ... به عنوان تشکل‌های تجاری با مالکیت تولید کنندگان از جمله بزرگترین کشت و صنعت‌های تجاری این کشور به شمار می‌آیند. این تعاونی‌ها نه تنها مستقیماً نیازهای اقتصادی تولید کنندگان را برآورده ساخته‌اند، بلکه تقاضای بازارهای صنعتی را حتی بهتر از تشکل‌های رقیب، پاسخ داده‌اند (چارلز گریم، ۱۳۸۷). در حال حاضر حدود ۱۷۰۰ تعاونی در استرالیا با گردش مالی ۱۷ میلیارد دلار و ۱۳.۵ میلیون عضو در بخش‌های کشاورزی، هنر، کودکان و مراقبت‌های بهداشتی، باشگاه‌ها، خدمات، آموزش، انرژی، امور مالی، مسکن، پخش برنامه‌های رادیویی، ماهیگیری، تولید، بازاریابی، بازیافت، مراقبت، خرده فروشی، صندوق‌های بازنشستگی، مخابرات، حمل و نقل، عمده فروشی، و ... وجود دارد (Denniss and Baker, 2012; cooper et al., 2013). در واقع از هر ۱۰ استرالیایی ۸ نفر عضو شرکت‌های با مالکیت مشترک یا سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه‌اند. بخشی از این تعاونی‌ها در بخش کشاورزی قرار دارد تعاونی‌های تولید کننده‌ی این بخش وظایف پردازش، برند زنی، بازاریابی و توزیع کالاها را بر عهده دارند. مثل شرکت‌های غول پیکر تعاونی لینی موری گل بورن^۸ که فرآوری بیش از یک سوم کل شیر استرالیا را بر عهده دارد (cooper et al., 2013). شرکت‌های مدیریت غلات و انتقال مواد فله که تحت مالکیت خود کشاورزان هستند (Denniss and Baker, 2012). دسته دوم تعاونی‌های کشاورزی عرضه کننده‌ی نهاده‌های کشاورزی می‌باشد که نهاده‌های مورد نیاز کشاورزان را خریداری و ذخیره می‌کند و به قیمت کم‌تر در اختیار کشاورزان قرار می‌دهد. علاوه بر انجمن‌های مذکور انجمن‌های زنان کشاورز نیز در این کشور وجود دارد. در سال ۱۹۹۲ انجمنی تحت عنوان زنان استرالیایی کشاورز (AWiA^۹) برای فعالیت زنان در تمام زمینه‌های مربوط به کشاورزی تأسیس شد که هدف متحد کردن و ارتقای وضعیت زنان فعال در بخش کشاورزی را دنبال می‌کرد (AWiA, 2014).

⁸ Murray Goulburn

⁹ Australian Women in Agriculture



رعایت اصول تعاونی در تعاونی‌های استرالیا منجر به پیامدهایی نظیر بازار گرایبی؛ ارتباطات بهتر؛ کاهش هزینه‌های اجتماعی؛ افزایش تلاش‌های کارکنان؛ بهبود روحیه اعضا؛ تعهدات سازمانی مثبت و معنادار و توانمندسازی اعضای خود شده است (Novkovic, 2008). تعاونی‌ها، علاوه بر بخش کشاورزی توانسته‌اند به روستاییان ویکتوریا در حوزه‌هایی مانند صید و صیادی، صنایع تبدیلی مواد غذایی، خرده‌فروشی، هتل‌ها، مراسم و تشریفات، تولید برنامه‌های عمومی رادیو و تلویزیونی، توسعه محلی و ارتباطات و مخابرات کمک کنند (چارلز و گریم، ۱۳۸۷).

تعاونی‌های کشاورزی و روستایی در ژاپن

ژاپن در شرقی‌ترین نقطه قاره آسیا قرار دارد. این کشور مشتمل بر زنجیره‌ای از جزایر است که بین آب‌های اقیانوس آرام و دریای ژاپن و در شرق شبه جزیره کره قرار دارند. حدود ۷۰ درصد از اراضی ژاپن را جنگل در بر گرفته است و فقط حدود ۱۴/۲٪ از خاک این کشور تحت کشت محصولات کشاورزی است (طالب، ۱۳۸۲). بخش کشاورزی کشور ژاپن با دو چالش اساسی روبرو است. اول اینکه کشاورزان ژاپنی خرده مالک هستند و قطعات اراضی آن‌ها به طور متوسط بین ۱/۲ تا ۱/۸ هکتار بوده و دومین معضل بالا بودن سن کشاورزان است، به طوری که ۵۷ درصد کشاورزان ژاپنی در سنین ۶۵ سال به بالا قرار دارند (علیزاده، ۱۳۹۲). در دوران توکاگاوا مردم ژاپن اعتقاد داشتند که افزایش ثروت یک جامعه به تعداد کشاورزان و کاهش شهرنشینان و مصرف کنندگان بستگی دارد. در پایان عصر توکاگاوا و اوایل دوران میجی بیش از ۸۰٪ مردم ژاپن به کار کشاورزی مشغول بودند، افزایش تولیدات کشاورزی و کارایی نیروی کار از اولین نشانه‌های آغاز صنعتی شدن در ژاپن تلقی می‌شود (نقی زاده، ۱۳۸۶). بدین ترتیب توسعه ژاپن با اصلاحات دوران میجی در سال ۱۸۶۸ آغاز شد و با اعزام محصلین به خارج از کشور، وارد کردن کمک‌های فنی، ایجاد نهادها و دستگاه‌های دولتی آموزشی، سرمایه‌گذاری مستقیم در تأسیسات صنعتی، ایفای نقش برای طرح‌های مهم صنعتی، کمک‌های مالی و حمایت‌های فنی به صنایع به منظور تسریع و تسهیل امور صنعت، فراهم ساختن امکان توسعه امور مجموعه‌های بزرگ صنعت که به خانواده‌های قدرتمند تعلق داشت برای افزایش دیدگاه آن‌ها در حد و اندازه دولت، فراهم ساختن زمینه فعالیت ده‌ها هزار مؤسسه خصوصی کوچک ادامه پیدا کرد. دولت در راستای سیاست‌های خود در سال ۱۹۲۰ طرح شرکت تعاونی‌های صنعتی را به اجرا درآورد و تا سال ۱۹۳۰ تمام کشاورزان تحت پوشش این طرح قرار گرفتند (Kurimoto, 2004). در سال ۱۹۴۵ کشاورزان مستأجر ژاپن صاحب زمین شدند، و قانون تعاونی‌های کشاورزی در سال ۱۹۴۷ وضع گردید و همزمان موضوع استقلال داخلی و کمک متقابل مطرح شد، در این راستا تعاونی‌های کشاورزی زیادی از هر گوشه ژاپن تأسیس شد، به طوری که در سال ۱۹۴۸، ۱۷۰۰۰ سازمان کشاورزی به ۲۲۰۰۰ شرکت تعاونی و ۲۰۰ کنفدراسیون تبدیل شده بود (Kurimoto, 2004). اما این تعاونی‌ها به دلیل سیاست‌های ضد تهرمی پس از جنگ و مدیریت ضعیفشان از بین رفتند. دولت برای حمایت از نهضت تعاونی در سال ۱۹۶۱ قانونی ویژه ای جهت ادغام هرچه زودتر تعاونی‌های کشاورزی وضع نمود. به موجب این قانون از تعاونی‌ها برای خرید وسایل مورد نیازشان حمایت مالی می‌شد، و امتیازهای مالیاتی برای کشاورزان در نظر گرفته شد (تاکوئوجین، ۱۳۷۱؛ Movsisyan, 2013). انجمن‌های کشاورزی از کشاورزان با تجربه‌ی محلی و کارشناسان بومی تشکیل شده بود که این انجمن‌ها دانش نوین کشاورزی غرب را با توجه به دانش بومی کشاورزان و منابع موجود به کار می‌گرفتند (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۸). تعاونی‌های کشاورزی ژاپن (JAS¹⁰) نامیده می‌شود که به صورت همه جانبه در خدمت کشاورزان است، این نهادها خدمات چند منظوره ای به کشاورزان ارائه می‌دهند و به طور کلی متعهد به سه اصل سلامت¹¹، کیفیت بالا¹² و تکنولوژی بالا¹³ می‌باشند که در مجموع این سه اصل را 3-H گویند (Prakash, 2003). در حال حاضر در ژاپن، ۹.۱ میلیون خانواده کشاورز اعضای تعاونی‌ها هستند تعاونی‌ها قدرت زیادی در تغییر زندگی کشاورزان دارند (Wong, 2014). ویژگی اصلی ساختار

¹⁰ japan agricultural cooperatives

¹¹ Healthy

¹² High Quality

¹³ and High Technology



سازمانی تعاونی‌های کشاورزی ژاپن سه سطحی بودن آن است. در پایین‌ترین سطح، تعاونی‌های چند منظوره به عنوان تعاونی‌های اولیه در سطح روستا، شهرک یا شهر فعالیت می‌کنند. در سطح استان اتحادیه‌های چند منظوره قرار دارند که در رابطه با کار معینی که انجام می‌دهند، تخصص یافته‌اند. در سطح ملی، اتحادیه‌های تخصصی وجود دارند که هر یک کار خاصی مانند اعتبار، خرید، بازاریابی و بیمه انجام می‌دهند (Prakash, 2000). در نیم قرن گذشته سازمان تعاونی کشاورزی ژاپن نفوذ سیاسی فوق العاده ای برای جلوگیری از تغییر ساختار کشاورزی خود داشته است که این امر به دلیل حمایت های فراوان جوامع روستایی بوده است. این نفوذ تا حدی بوده است که به طور مثال توانسته است قیمت برنج را حتی مواقعی که دولت سعی در پایین نگه داشتن قیمت غذاهای اصلی داشته است بالا نگه دارد و به طور متوسط هر ساله ۱۰٪ قیمت این محصول زیادتیر شود (Kazuhito, 2009). در این کشور دولت به طور مستقیم در کار تعاونی‌ها دخالت نمی‌کند، بلکه تعاونی‌های کشاورزی را از طریق نرخ‌های تضمینی و سرمایه‌گذاری در بهسازی اراضی حمایت می‌کند. بانک مرکزی تعاون که مختص کشاورزی و جنگلداری است، یکی از بزرگترین بانک‌هایی است که در کنار تعاونی‌ها قرار دارد (علیزاده، ۱۳۹۲). شرکت‌های تعاونی ژاپن توانسته‌اند حرفه کشاورزی را همانند سایر مشاغل، اقتصادی سازند و بهره وری آن را ارتقاء دهند. در واقع این کشور توانسته است از طریق شرکت‌های تعاونی کشاورزی، مزارع خود را از نظر تکنولوژی و روش‌های پیشرفته نوسازی کند (علیزاده، ۱۳۹۲). از ظرفیت‌های این تعاونی‌ها می‌توان، دوام اقتصادی؛ خدمت‌گرا بودن؛ راهنمای مدیریت مزرعه و زندگی بهتر؛ درجه بالای ارتباط با اعضا و غنی سازی زندگی اجتماعی اعضا؛ حفاظت از منافع کشاورزان عضو از طریق بیمه؛ مراقبت های بهداشتی؛ تشویق کشاورزان عضو در کنترل آلودگی و تولید مواد سالم و غیره را نام برد (Prakash, 2003). به علاوه کشور ژاپن توجه ویژه ای به تشکیل تعاونی‌های زنان داشته است. پس از جنگ جهانی دوم، سازمان های روستایی متنوعی تاسیس شد که زنان کشاورز را به تشکیل شبکه‌های اجتماعی ترغیب کرد. از سال ۱۹۸۰، زنان کشاورز شروع به تشکیل و توسعه شبکه های شخصی زنان نمودند که توسعه ای این شبکه‌ها تاکنون ادامه پیدا کرده است. این شبکه‌ها به زنان اجازه ارتباط با دنیای خارج را می‌دهد و موجب ارتقای اعتماد به نفس زنان عضو می‌گردد، هم چنین اعضای این انجمن‌ها از حمایت‌های داخل شبکه برخوردار می‌شوند، این، شبکه‌ها به عنوان کانال اطلاعاتی و ارتباطی عمل می‌کنند، به طوری که ارزش های مشترک در سطح شبکه، نقش ایجاد کننده‌ی تعادل در توجه به هنجارهای غالب جامعه محلی را ایفا می‌کند (Fukuyo, 2010). عوامل بالقوه‌ای که موجب عملکرد موفقیت آمیز تعاونی‌های ژاپن شده است عبارتند از: آداب و رسوم کمک متقابل در مناطق روستایی؛ معرفی محصولات و فن آوری‌های جدید برای افزایش بهره وری؛ مشارکت فعال زنان عضو انجمن‌ها؛ استخدام مدیران توانمند و حرفه‌ای؛ جذب امکانات عملیاتی و ارتباط اعتباری با بازاریابی، ارشاد و آموزش و پرورش برای بهبود تولید و مهم تر از همه اینکه تعاونی‌ها به عنوان نهاد های عضو محور و نه نهاد تعاونی محور هستند (Prakash, 2003).

نتیجه گیری و پیشنهادها

انجمن ها و تعاونی های روستایی در کشور ژاپن و استرالیا ظرفیت قابل توجهی برای پر کردن خلاء های اجتماعی از طریق ارائه خدمات مربوط به نیازهای کاربردی و بروز جامعه ی خود داشته اند. در مجموع می‌توان کارکردهای تعاونی‌ها را در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱) حمایت فنی در زمینه ی قیمت گذاری، بازاریابی و عرضه
- ۲) کاهش هزینه‌های تولید
- ۳) ایجاد صمیمیت، اعتماد و حمایت اجتماعی که همگی از عناصر سرمایه اجتماعی اند
- ۴) افزایش قدرت چانه زنی
- ۵) ارائه سطح بالایی از اطلاعات بازار که موجب تصمیم های تجاری بهتر می‌گردد



۶) بروز سطح بالایی از بهره وری مدیریتی که منجر به عملکرد بهتر می شود

۷) اتخاذ نگرش باز نسبت به سرمایه گذاری های مشترک و همکاری

۸) توانمند سازی زنان روستایی

۹) پاسخ به نیازهای اعضای به وسیله تشویق اعضا به مشارکت

با وجود موانع و مشکلاتی که تعاونی ها با آن مواجه اند، آن ها بهترین مؤسسات مناسب برای توسعه کشاورزی در منطقه آسیا و اقیانوس آرام به شمار می روند و به طور کلی وجود آن ها تا حد زیادی برای تسریع روند توسعه ضروری است، ژاپن در اداره تعاونی های خویش هر چند از شیوه ها و تکنولوژی های جدید بهره گرفته است اما عامل موفقیت آن تلفیق دانش بومی و فرهنگ همیاری و کمک متقابل با این الگو برداری است. بهینه سازی فعالیت های انجمن ها و تعاونی های روستایی و کشاورزی در کشور- های در حال توسعه تنها در صورتی امکان پذیر است که رهبری تعاونی ها ارتقاء پیدا کند و برای مدیریت آن ها فعالیت های به روزی انجام گیرد. بقا و موفقیت مستمر یک تشکل مستلزم سرمایه گذاری و رفاه اجتماعی اعضا از طریق ایجاد حس هویت همراه با مشارکت در درون آن نهاد است، ساختار تعاونی ها باید با توجه به نیازهای جوامع محلی تشکیل دهنده ی تعاونی ها شکل گیرد و فعالیت های آن به تدریج تکامل یابد هم چنین آموزش کارکنان باید در کنار مدیریت صحیح مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به مطالب ارائه شده در ارتباط با تعاونی های کشاورزی در کشورهای ژاپن و استرالیا، جهت استفاده از تجارب آنها در حوزه ی فعالیت تعاونی های کشاورزی ایران توصیه هایی به شرح زیر ارائه می شود:

۱) تشکیل تعاونی ها بر مبنای نیاز های اعضای تشکیل دهنده (اعضا محور بودن نه تعاونی محور بودن تعاونی)

۲) آموزش کارکنان همزمان با استفاده از تکنولوژی های جدید

۳) آموزش کارکنان در رابطه با فرهنگ تعاون با توجه به عناصر سرمایه اجتماعی

۴) بهره گیری مدیران از کارشناسان بومی که شناخت کافی از فرهنگ اعضای تعاونی ها داشته باشند در اداره ی تعاونی ها

۵) تشکیل بخش های بسته بندی، برند زنی و غیره در تعاونی های تولید

۶) به روز بودن اطلاعات مدیران

۷) ترویج فرهنگ تعاون و تشویق مردم به تشکیل تعاونی ها و سایر انجمن های مدنی

۸) توانمندسازی اعضای تعاونی ها و افزایش قدرت چانه زنی و عزت نفس در آن ها به منظور برخورداریشان از حمایت های دولت و افزایش مشارکتشان در تصمیم گیری های اثر گذار بر فعالیت های تعاونی

منابع مورد استفاده

محمدیان، رضا. ۱۳۸۶. نقش و جایگاه بخش تعاون در توسعه ی اقتصادی کشورها. وزارت تعاون. دفتر امور بین الملل تاکنونین، نوچی. ۱۳۷۱. توسعه نهضت تعاون کشاورزی ژاپن و حمایت های گسترده دولت. ترجمه ی کریم اسدسنگابی. نشریه تعاون. ۱۸: ۴۰-۴۲

طالب، مهدی. (۱۳۸۲). جایگاه روستا در فرایند توسعه ی ملی از دیدگاه صاحب نظران. مؤسسه ی توسعه ی روستایی ایران طالب، مهدی، نجفی اصل، زهره. ۱۳۸۸. توسعه ی کشاورزی یا روستایی؟ تشابهات و تعارضات سیاست های کشاورزی در ایران و ژاپن

علیزاده، نادر. (۱۳۹۲). مروری بر تجربیات ژاپن در تعاونی های کشاورزی. اتحادیه ی مرکزی تعاونی های تولید روستایی کشور. قابل



دسترس در: <http://curcp.ir/fa/news/165/%D98>

Argent, Neil. (2000). Whither the lender of last resort?: The rise and fall of public farm credit in Australia and New Zealand. *Journal of Rural Studies*, 16(1), 61-77.

Australian Women in Agriculture. (2014). Available at: <http://www.awia.org.au/>

Cooper, Kay., Green, Todd., Tregilgas, Peter. (2013). Co-operatives in Australia - A Manual - RDA Mid North. Co-operatives Federation of New South Wales & RDA Mid North Coast Inc Available at: http://www.rdamnc.org.au/wp-content/uploads/Coop_Manual_FINAL.pdf

Core, Peter. (2009). A Retrospective on Rural R&D in Australian collaboration with the Australian Department of Agriculture, Fisheries and Forestry as a background paper for the Rural Research and Development Council. November 2009.

Denniss, Richard., Baker, David. (2012). Who knew Australians were so co-operative? Canberra: The Australian Institute. (Paper No. 10).

Fairbairn, Brett. (1994). The meaning of Rochdale: The Rochdale pioneers and the co-operative principles. Occasional Paper Series, Centre for the Study of Cooperatives, University of Saskatchewan

Fukuyo, Juri Hara. (2010), Chapter 18 Women farmers' networking in Japan: A case study of a pioneering network. From Community to Consumption: New and Classical Themes in Rural Sociological Research (Research in Rural Sociology and Development, Volume 16), Emerald Group Publishing Limited, pp.261-275

Hoyt, Ann. (1996). And then there were seven: Cooperative principles updated. Cooperative Grocer, January/February: 1-6

Hunt, Warren, Birch, Colin, Vanclay, Frank, & Coutts, Jeff. (2014). Recommendations arising from an analysis of changes to the Australian agricultural research, development and extension system. *Food Policy*, 44(0), 129-141. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.foodpol.2013.11.007>

Josling, Timothy. (1998). Agricultural Trade Policy: Completing the Reform. Institute for International Economics, Washington, DC.

Kurimoto, Akira. (2004). Agricultural Cooperatives in Japan: An Institutional Approach.

Kazuhito, Yamashita. 2009. The Agricultural Cooperatives and Farming Reform in Japan (1). Available at: <http://www.tokyofoundation.org/en/articles/2008/the-agricultural-cooperatives-and-farming-reform-in-japan-1>

Movsisyan, Suren. The Role of Cooperatives in the development of Agriculture in Armenia, Asian Countries & EU (Worldwide case studies). ICD (Institute for Cultural Diplomacy)-Berlin,



Germany, Berlin, 2013

Novkovic, Sonja. (2008). Defining the co-operative difference. *Journal of Socio-Economics*, 37(1): 2168–2177.

Oczkowski, Edward, Krivokapic-Skoko, Branka, & Plummer, Kay. (2013). The meaning, importance and practice of the co-operative principles: Qualitative evidence from the Australian co-operative sector. *Journal of Co-operative Organization and Management*, 1(2):54-63 .doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jcom.2013.10.006>

Prakash, Daman. (2000). Capacity Building of Agricultural Cooperatives to Meet the Market and Human Resources Development Demands. A Step-by-step Approach. *Cooperatives Perspective*, 37(3): 5-8.

Prakash, Dr Daman. Development of Agricultural Cooperatives -Relevance of Japanese Experiences to Developing Countries. *RURAL DEVELOPMENT AND MANAGEMENT CENTRE 'The Saryu'*, J-102 Kalkaji, New Delhi 110019. India. February 2003.

Penunia. Esther A. (2011). The Role of Farmers' Organizations in Empowering and Promoting the Leadership of Rural Women

Skogstad, Grace. (2008). Internationalisation and Canadian Agriculture: Policy and Governing Paradigms. University of Toronto Press, Toronto.

Vanclay, Frank. (2003). The impacts of deregulation and agricultural restructuring for rural Australia. *Aust. J. Social Issues* 38 (1), 81–94.

Watkins, William Pascoe. (1970). The International Co-operative Alliance. London: International Co-operative Alliance.

Wong, Nicola. (2014). The Role of Japanese Cooperatives Post Fukushima .Available at: <http://foodtank.com/news/2014/01/the-role-of-japanese-cooperatives-post-fukushima>

Capacities and competencies of agricultural cooperatives and rural organizations in Japan and Australia

Gholam reza mojarradi ^{*1}, Fereshteh Bagrezaei Jayhoon Abadi²

2. M. Sc. Student of rural development, Faculty of Agriculture, University of Zanjan, Iran.

1. Assistant Professor, Department of communication, Agricultural Extension and Rural Development, Faculty of Agriculture, University of Zanjan, Iran.

Abstract

Currently the cooperative system is essential element for achievement in different economic sectors. Cooperation in global agricultural sector caused social and economic prosperity by vision of many scholars and researchers in the field of development and the economy. This documentary study carried out to review Capacities and competencies of agricultural cooperatives and rural organizations in Japan and Australia. The results showed that the Australian rural cooperatives activities included citrus packing,



production of chemical fertilizers, production of eggs, fruit production and packaging, irrigation, marketing, research activities, meat products, providing agricultural supplies and so on. These cooperatives have met not only the economic needs of individual procedures directly but also they have answered industrial markets demand even well than rival organizations. Japan's agricultural cooperatives are entitled to coherence of the popular, high efficiency in the production of food products and provision of high quality services to members. Finally, the results of agricultural cooperatives and rural organizations in both countries can be categorized on increasing of economic efficiency, providing timely and adequate credit facilities, providing a high level of market information, a high level of productivity, open attitude toward joint investments and cooperation, increasing the social capital, empowerment, and gender equality on women's organizations.

Key words: capacity, cooperatives, village